

ترامپ در مصر به دنبال چیست

وقاحت شرم‌الشیخ



سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین الملل

امروز قرار است نشست بین‌المللی درباره آتش‌بس در غزه در شهر شرم‌الشیخ مصر با حضور رهبران ۲۲ کشور برگزار شود. سخنگوی دفتر ریاست جمهوری مصر اعلام کرده است که دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، اجلاس «شرم‌الشیخ» را به همراه «عبدالفتاح السیسی» و با حضور رهبران بیش از ۲۰ کشور جهان رهبری خواهد کرد.

درحالی‌که اجلاس در مصر برگزار می‌شود و بیانیه مزبور متعلق به نهاد ریاست‌جمهوری این کشور است، به صراحت میزبان و رهبر اصلی رئیس‌جمهور آمریکا معرفی شده است.

امانوئل مکرון رئیس‌جمهور فرانسه، کی‌یر استارمر نخست‌وزیر انگلیس، جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا، پدرو سانچز نخست‌وزیر اسپانیا و آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل دیگر رهبران حاضر در این نشست هستند. روز گذشته «باراک اراید»، خبرنگار پایگاه خبری آکسیوس اعلام کرد که برگزارکنندگان، ایران را نیز به نشست دعوت کرده‌اند. با این حال پس از آنکه گفته شد ایران در حال بررسی دعوت است، تسنیم به نقل از منابع آگاه گزارش کرد تهران در این نشست مشارکت نمی‌کند. علاوه بر این، حماس که در منازعه غزه یکی از دوطرف اصلی است، گفته در نشست حضور نخواهد داشت. ترامپ طی روزهای گذشته و در بحبوحه اقدامات اولیه برای توقف جنگ در غزه، ادعا کرده بود درباره طرح آتش‌بسی که وی ارائه داده، نشانه‌های مثبتی از ایران دریافت کرده است. رئیس‌جمهور آمریکا مدعی است پروژه‌ای را شروع

کرده که به ۳ هزارسال جنگ در غرب آسیا و مناطق مجاور آن پایان می‌دهد. فارغ از نادیده گرفتن حقایق تاریخی، ادعای ترامپ درباره نقشش در ایجاد صلح فراگیر در منطقه بدون حضور ایران قابل باور نخواهد بود.

ترامپ در اجلاس شرم‌الشیخ به دنبال چیست؟

رئیس‌جمهور آمریکا اهداف قابل توجهی از مراسم امروز دارد که نیازمند بررسی هستند.

۱- حال که جایزه نوبل به ترامپ نرسید، برگزاری اجلاس مصر برای او اهمیت مضاعفی یافته است. او می‌خواهد با نام پایان‌دهنده به جنگ‌ها شناخته شود. در این صورت او ضمن جبران از دست دادن جایزه نوبل قادر خواهد بود به برگزارکنندگان آن تاخته و خود را قربانی بی‌توجهی‌های سیاسی معرفی کند.

۲- ترامپ در دعوت از ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به آلاسکا و سپس فراخواندن هم‌زمان چند تن از رهبران مهم اروپایی به کاخ سفید قصد داشت اینگونه نمایش دهد که جهان را زیر چتر آمریکا آورده و همونی واشنگتن تداوم دارد. چین اما با برگزاری رژه‌ای نظامی، تصویر مزبور را در هم شکست تا جایی که در حین این مراسم ترامپ با خشم، روسیه و کره‌شمالی را در کنار چین به توطئه علیه کشورش متهم کرد. حال قرار است در نوبتی جدید، نشست در مصر صحنه نمایشی برای تداوم همونی آمریکا بسازد.

۳- توافق آتش‌بس با گروهی بسته شده که قرار بود طی جنگ نابود شود. از این رو صرف همین توافق نشانه‌ای از ناکامی رژیم صهیونی است. آمریکا با برسته‌سازی نشست مصر در تلاش است از لحاظ رسانه‌ای و قضیه شکوه اجلاس از برداشت‌های ذهنی پیرامون اصل

عملیات نظامی گستردهٔ طالبان در امتداد خط دیورند

دود شرق به کدام چشم می‌رود؟



میراحسین مصطفی‌زاده
پژوهشگر مسائل بین الملل

عملیات نظامی فراگیر شامگاه روز جمعه طالبان علیه پاکستان در امتداد خط مرزی دیورند که به نظر می‌رسد با تلفات و خسارات نسبتاً سنگینی برای دو طرف توأم بوده است؛ شوک سنگینی به منطقه وارد کرده است. آن‌گونه که منابع داخلی طالبان اعلام کرده‌اند این حمله به‌صورتی فراگیر و از ۸ تا ۷ ولایت مرزی افغانستان انجام گرفته و در جریان آن حداقل ۲۵ سبب مرزی به پاکستان تصرف و یا نابود شده است. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان نیز از کشته‌ور زخمی شدن بیش از ۸۰ نظامی پاکستانی در جریان این حملات خبر داده و به‌وجود حداقل ۲۰ کشته و زخمی در میان نیروهای طالبان نیز اعتراف کرده است. در مقابل طرف پاکستانی نیز از تقابل شدید و موفق با این تهاجم و عقب‌راندن مهاجمان به داخل افغانستان خبر داده است. آن‌هم بدون آن‌که به خسارات و تلفات دو طرف در جریان این تقابل اشاره‌صریحی داشته باشد. اگر چه این درگیری سراسری بیش از چند ساعت به طول نینجامید و با اعلام وزارت دفاع طالبان در دستیابی به اهداف انتقامی موردنظر، تقریباً فوراً قطع شد، اما تردیدی وجود ندارد که باید در انتظار پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت این رخداد بر روابط دوجانبه طالبان و پاکستان و در سطحی فراگیرتر در سطح تعاملات منطقه باشیم.

دور جدید تنش‌های کابل و اسلام‌آباد چگونه آغاز شد؟

همه چیز از شامگاه پنجشنبه آغاز شد، زمانی که صدای چند انفجار قوی در کابل شنیده شد و تقریباً هم‌زمان با آن منابع خبری از حمله هوایی جنگنده‌های پاکستان به مناطقی در استان پکتیکا خبر دادند. بلافاصله پس از وقوع انفجارها منابع رسانه‌ای نزدیک به ارتش پاکستان از عملیات موفق ترور «نور ولی محسود» رهبر تحریک طالبان پاکستان در کابل خبر دادند. اگر چه پاکستان رسماً مسئولیت این عملیات را برعهده نگرفت، اما واکنش او و بیانیه وزارت دفاع امارت اسلامی طالبان تردیدی باقی نگذاشت که انفجارهای کابل با پاکستان مرتبط بوده و احتمالاً به وقوع یک حمله هوایی برنامه‌ریزی‌شده ارتباط پیدا می‌کند. از زمان بازگشت طالبان به قدرت، پاکستان حملات متعددی به خاک افغانستان انجام داده بود، اما این نخستین بار بود که پایتخت را هدف قرار می‌داد. عدم واکنش از سوی طالبان در برابر این نقض آشکار، می‌توانست به‌ضعف و استیصال آن‌ها در برابر پاکستان تعبیر شود.

نورولی محسود کشته شده است؟

اخبار در این زمینه بسیار ضدو تقیض است. برخی منابع رسانه‌ای در همان ابتدای امر خبر کشته‌شدن نور ولی محسود، رهبر تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) را منتشر کردند، اما انتشار کلیپ صوتی از وی و سکوت سیاست‌مداران و نظامیان پاکستانی تردیدهایی را در این مورد به‌وجود آورد. خلیل زاد، نماینده پیشین آمریکا در آخرین اظهارنظرش در این مورد تأکید کرده است که عملیات ترور ناموفق بوده و اساساً محسود در آن هنگام در کابل حضور نداشته است. برخی منابع دیگر از جمله یک منبع نزدیک به سازمان سیا از کشته‌شدن دو تن از فرماندهان برجسته تحریک طالبان پاکستان و زخمی شدن رهبر این گروه خبر داده‌اند. در نهایت برخی نیز باور دارند که این واکنش شدید طالبان می‌تواند نشان‌دهنده وقوع اتفاقی مهم و حتی

توافق سبقت گرفته و طرف آمریکایی – صهیونی برجسته‌تر دیده شوند.

۴- حمله هوایی رژیم صهیونی به قطر تبعاتی منفی در خصوص روابط آمریکا با دولت‌های منطقه و جهان عرب داشت. حضور مجدد ترامپ در

محیط و اجلاسی منطقه‌ای و عربی، تصحیح‌کننده معضل پیش آمده است.

توافق بر سر دفاع آمریکا از قطر، عذرخواهی تانیاهو از مقامات قطری در حین دیدار با ترامپ و ملزم کردن تل آویو به پذیرش آتش‌بس بخشی از فرایند اصلاحی مزبور هستند. به نظر می‌رسد علی‌رغم تمام اهمال‌کاری‌های دولت‌های منطقه به ویژه دولت‌های عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس، ظرفیت بالای منطقه باعث شده حتی نهیب‌ها و تحرکاتی کوچک، آمریکا را به تکاپو وادار کند. همین نهیب‌های ضعیف باعث شده تانیاهو طی چند هفته دوبار تحقیر شود و در پی اتفاق دوم دولتش در معرض خطر فرو پاشی قرار گیرد.

۵- آمریکا به دلیل جنایت‌های جنگ غزه با خدشه حیثیتی و رژیم صهیونی نیز با انزوا روبه‌رو است. این قضایا نیازمند ترمیم است و واشنگتن در جریان آتش‌بس و مراسم آن، درصدد تحقیقش برآمده است.

۶- ترامپ گوشه چشمی به فعال‌سازی مجدد طرح صلح ابراهیم از خلال آتش‌بس غزه دارد. قطعاً این روند همانند پیش از ۷ اکتبر قابل تحقق نیست تا طی آن رژیم صهیونی با موافقت کشورهای منطقه قادر به گسترش نظامی و امنیتی در آن‌ها باشد، اما اجزای دیگر آن مانند برقراری روابط سیاسی و اقتصادی ممکن است. استدلال آمریکا اینگونه خواهد بود که تضمین عدم از سرگیری جنگ در غزه، تکمیل روند صلح ابراهیم است تا تل آویو را فراغ بال از احساس خطر، آرام گیرد.

۷- ترامپ حال که به درخواست دولت‌های عربی، جنگ غزه را

حملات در داخل پاکستان بیش از پیش فراهم شده است.

اما موضوع بحران در دولت ایالتی خیبر پختونخوا استعفا ی امین گنډاپور سر وزیر این ایالت نیز در تشدید بحران میان کابل و اسلام‌آباد اثرگذار بوده است؛ چرا که دولت ایالتی روش ارتش در مقابله نظامی با تحریک طالبان پاکستان را رد کرده و بر گشایش باب مذاکره با حاکمیت کابل و تحریک طالبان پاکستان اصرار نشان می‌دهد. با توجه به وابستگی دولت ایالتی به حزب مخالف تحریک انصاف عمران خان این مسئله از سطح ایالتی فراتر رفته و به یک بحران ملی در پاکستان تبدیل شده است. بسا این اوصاف اقدام ارتش در ترور رهبر تحریک طالبان در کابل پیام‌واضحی به حامیان مذاکره محسوب می‌شود.

واکنش‌ها به بالاگرفتن تنش نظامی میان پاکستان و طالبان

واکنش‌ها به تنش نظامی اخیر در مرزهای پاکستان و افغانستان در دو سطح داخلی و بین‌المللی قابل بررسی است؛

۱) در سطح داخلی پاکستان و افغانستان: در پاکستان به استثنای دولت ایالتی خیبر پختونخوا و جناح مخالف تحریک انصاف، واکنش سایر مقامات سیاسی و نظامی در قبال تشدید تنش با طالبان تا حدی یک‌دست و مبتنی بر محکومیت قاطع طالبان و حمایت از ارتش بوده است.

اما در افغانستان و در میان طالبان ملاحظات در این زمینه وجود دارد. عدم تشکیل جلسات فوق‌العاده از سوی کابینه در شرایط بحرانی اخیر و عدم انتشار اخباری در رابطه با مواضع برخی مقامات برجسته طالبان همچون رئیس الوزرا و معاون اقتصادی وی ملا برادر و مهم‌تر از همه سراج‌الدین حقانی وزیر کشور طالبان نسبت به این تحولات می‌تواند پیامی را در زمینه انسجام درونی حاکمیت طالبان در خود جای داده باشد. از سوی دیگر این بحران جبهه مخالف طالبان را نیز در شرایط دشواری مواجه کرده است. اقبال عمومی به تشیه تجاوز پاکستان به کابل، باعث می‌شود تا آن‌ها به‌ناچار خود را در مواضعی یکسان با طالبان ببینند و به‌نوعی بر اقدامات حاکمیت کابل مهر تأیید بزنند. البته در این افراد هم‌چون حنیف اتمر مسیر میانه‌ای را در پیش گرفتند: «دفاع از مردم و خاک پرافتخار میهن وظیفه هر افغان است. علی‌رغم اختلافات شدید ما با سیاست‌های نظام طالبان، در انجام این مسئولیت همگی به‌شانه یک ملت ایستاده‌ایم... برای طالبان دفاع از خاک باید هم‌زمان با دفاع از حقوق اساسی مردم افغانستان هم باشد. اگر حقوق و آزادی مردم افغانستان پایمال شود، دفاع از خاک هرگز ممکن و پایدار نخواهد بود.»

۲) واکنش‌های بین‌المللی: درحالی‌که در جریان حمله هوایی پاکستان

به کابل و برخی نواحی مرزی

افغانستان، هیچ‌گونه واکنش

خاصی از سوی کشورهای

منطقه و یا فرمانطقه‌ای مشاهده شد،

درگیری‌های گسترده اخیر

نظامی در امتداد مرز

دیورند واکنش‌های

تقریباً یکسانی را

برانگیخت. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان

به اتمام رسانده خود شخصاً به منطقه می‌آید تا نرخ اتمام جنگ را تعیین و آن را از منطقه اخذ کند.

نکات

در خصوص نشست مصر نکات ذیل قابل توجه‌اند.

۱- شبکه‌المیادین به نقل از رسانه‌های رژیم صهیونیستی اعلام کرده که این رژیم در نشست شرم‌الشیخ مصر شرکت نمی‌کند. حضور رژیم صهیونی در این نشست در ظاهر نباید مانعی داشته باشد، اما وقوع آن به این معنی است که جنایت‌های رژیم باعث شده تا تل آویو دچار انزوائ عمیقی شود. حضور بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونی در مصر می‌تواند با فشار بر قاهره برای بازداشت او، احتمال عدم دیدار رهبران غربی با وی و رقم خوردن اتفاقات منفی دیگر همراه شود.

۲- عدم شرکت رژیم صهیونی در این نشست احتمالاً فراتر از خواست تل آویو به تصمیم‌گیری دولت‌های اصلی برگزارکننده مربوط است.

۳- نشست شرم‌الشیخ در شرایطی برگزار می‌شود که ترامپ طی هفته‌های اخیر اعلام کرد اجازه نخواهد داد رژیم صهیونی کرانه باختری را الحاق کند و سپس عذرخواهی از قطر و پذیرش آتش‌بس را به تل آویو تحمیل کرد. این رفتارها مربوط به اصلی‌ترین متحد رژیم صهیونی و نقطه اتکای آن است. این درحالی است که دیگر قدرت‌های غربی همراه با بسیاری از دولت‌های دیگر خواهان پذیرش و اجرای راهکار دو دولتی هستند. مقامات جامعه صهیونیستی نسبت به چنین رخدادی نگران بوده و از سویی روند نشست شرم‌الشیخ تقویت این روند را نشان می‌دهد.

کشوری هم‌مرز با هر افغانستان و پاکستان، ضمن تأکید بر رابطه حسنه تهران با هر دوطرف، آن‌ها را به خویش‌نش داری دعوت کرد. البته نکته جالب این است که آقای عراقچی در رسانه ملی از گفت‌وگو و رایزنی با مقامات پاکستانی خبر داد، اما به برقراری ارتباط با حاکمیت طالبان در این زمینه اشاره‌ای نکرد. دولت‌های قطر و عربستان نیز دو طرف را به خویش‌نش داری دعوت کردند، با این تفاوت که با توجه اعضای معاهده امنیتی اخیر میان عربستان و پاکستان، این واکنش انتظار پاکستانی‌ها برای اعلام حمایت عربستان از اسلام‌آباد را برآورده نکرد. این موضوع شبهاتی را در مورد ماهیت مفاد توافق پاکستان و عربستان در حوزه دفاع مشترک در برابر تجاوز به وجود آورده است. اما سایر کشورها همچون چین و روسیه تا لحظه نگارش این گزارش واکنش مشخصی به این تحولات نشان نداده و سکوت را راجح دانسته‌اند.

پاکستان به ایجاد تنش‌های عمدی

با طالبان می‌اندیشد؟

در نهایت تحولات اخیر پای ایده دیگری را هم به میان آورده است؛ اینکه تشدید تنش میان کابل و اسلام‌آباد در چهارچوب یک برنامه ازیش تعیین‌شده از جانب پاکستان به مرحله اجرا درآمده است. اگرچه شواهد رسمی در این زمینه وجود ندارد، اما برخی قربات‌های زمانی و اظهارات از سوی مقامات دو طرف می‌توانند در راستای تقویت این دیدگاه عمل کنند. در وجه اول شاید بتوان به قربات زمانی این رخدادها با نشست فرمت مسکو اشاره کرد؛ نشستی که برای اولین بار به حضور طالبان در یک اجلاس بین‌المللی رسمیت بخشید و اعضای نمایندگان آن را در کنار نمایندگان دیگر کشورها، من جمله پاکستان، در بیانیه پایانی به ثبت رساند. این تحول بسیاری را بر آن داشت که کار شناسایی رسمی طالبان از سوی کشورهای منطقه را تقریباً تمام‌شده تلقی کنند. اما در سایه تحولات اخیر ورق برگشته است و به‌نظر می‌رسد که طالبان یکبار دیگر از شناسایی رسمی به‌وسیله کشور‌های منطقه فاصله گرفته است. اما از جهتی دیگر این موضوع را می‌توان در پیوند روابط پاکستان و آمریکا و در کنار آن ادعای اخیر ترامپ در مورد بگرام نگریست. با بازگشت ترامپ به صحنه قدرت در آمریکا، طالبان در ابتدای امر و با توجه به پیشینه ارتباطشان با رئیس‌جمهور جدید، امیدوار به بهبود روابط با واشنگتن بودند. اما زیرکی پاکستانی‌ها در یافتن مسیرهای ارتباطی نزدیک با ترامپ، تغییر معادلات آمریکا در منطقه به نفع پاکستان و به زیان هند و در نهایت اصرار عجیب ترامپ برای بازگشت آمریکا به بگرام، تمامی ذهنیت‌ها و شرایط را به‌ضرر طالبان دگرگون کرد. با توجه به نارضایتی عمیق پاکستان از طالبان، احتمالاً اسلام‌آباد اکنون به ارتقای روابط راهبردی و حتی همکاری‌های نظامی با واشنگتن در منطقه و به‌خصوص در سرکوب تروریسم در افغانستان می‌اندیشد. بازنمایی آشفته‌گی اوضاع در افغانستان و نیاز به مداخله دوباره ایالات متحده برای خروج منطقه و افغانستان از این وضعیت می‌تواند همان راهکاری باشد که پاکستان در پس پرده اهداف خود از بالادین سطوح تنش با طالبان دنبال می‌کند؛ بنابراین اگر طالبان خواسته و یا ناخواسته اقدامی در این راستا متکب شود، عملاً در میدان پاکستان به بازی گرفته شده است.

